

نگاهی جامعه‌شناختی به زوال صنایع (مشاغل) سنتی با تأکید بر شهرستان شهرضا

محمود اشراقی و اصغر محمدی

اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

صنایع (مشاغل) سنتی تجلی‌گاه نوع اعتقادات و مناسبات، شئون، آداب و رسوم مردم و در کل نشئت‌گرفته از ساختار جغرافیایی و فرهنگی جوامع است که به مرور طی نسل‌های متمادی بر مبنای فرهنگ مردم ایجاد شده است. اندیشمندان اجتماعی و اقتصادی اظهار می‌دارند که حمایت از صنایع سنتی و تقویت بنیه تولیدی صنعتگرانی که در این صنایع مشغول به فعالیت هستند می‌تواند در فرآیند توسعه جایگاه مناسب و شایسته‌ای را ایفاء نماید زیرا که می‌تواند نیروهای بیکار را جذب کند و زمینه‌های اشتغال را به‌وجود آورد، از سوی دیگر مواد اولیه ارزان داخلی را تبدیل به محصولات مصرفی و حتی صادراتی کند.

شواهد و بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که صنایع سنتی در سطح کشور به‌ویژه در شهرستان شهرضا در دهه‌های گذشته از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده است. برخی از صنایع (مشاغل) سنتی عبارتند از: قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، ریسندگی ابریشم، گیوه‌چینی،



پنبه‌دوزی، کلاه‌سازی، تخت‌کشی، عصّاری، صابون‌سازی، رنگ‌ریزی، کاردانی و شومالی، آهنگری، آسیابانی، سفیدگری، مسگری، غربال‌بافی، بوجاری، پالان‌دوزی، منبت‌کاری و سفالگری.

در سال‌های اخیر بسیاری از صنایع و مشاغل مزبور در سطح کشور رونق اقتصادی خود را از دست داده‌اند و برخی از آنها به‌دست فراموشی سپرده شده است. در این مقاله ضمن شرح مختصری در مورد صنایع و مشاغل سنتی نمونه‌ای ۱۰۰ نفره از شاغلان صنایع موجود در سطح شهرستان انتخاب و براساس فرضیه‌های تحقیق، علل زوال صنایع و مشاغل مزبور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعریف موضوع

واژه مشاغل جمع شغل است که در تحقیق مزبور با پسوند سنتی همراه است. مشاغل سنتی شامل آن دسته از فعالیت‌ها و کارهای یدی مانند گیوه‌دوزی، آهنگری، قالی‌بافی و ... است که در گذشته نه چندان دور از رونق اقتصادی مناسب برخوردار بوده و عده زیادی از مردم از طریق این امور کسب درآمد و امرار معاش می‌کردند.

نکته دیگری که در شناخت بهتر موضوع تحقیق ضروری می‌نماید توجه به عوامل مختلفی است که به نوبه خود در زوال صنایع و مشاغل سنتی تأثیر دارد. این عوامل به دو دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از عوامل اقتصادی شامل درآمد، هزینه‌ها، جنس و کیفیت کالاها، بازار تقاضا و مسئله رقابت با کالاهای مشابه جدید و عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل گسترش شهرنشینی، تغییر الگوی مصرف، فقدان گرایش جوانان به فراگیری حرف و مشاغل مزبور.

اهمیت و ضرورت موضوع

نخست: به‌تدریج با زوال مشاغل سنتی بسیاری از فرصت‌های شغلی و زمینه‌های اشتغال برای متقاضیان کار به‌ویژه جوانان جویای کار از بین می‌رود.



دوم: توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مشاغل مزبور می‌تواند علاوه بر حفظ صنایع و مشاغل موجود از لحاظ فرهنگی نیز خدمت مؤثری در تداوم و ثبات عناصر و اجزای فرهنگی داشته باشد.

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق عبارتند از شناخت مختصر در مورد صنایع و مشاغل سستی و دستی و عوامل مؤثر بر زوال مشاغل سستی و دستی.

فرضیه‌های تحقیق

- بین نداشتن درآمد کافی و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فقدان تمایل جوانان به فراگیری فعالیت‌ها و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین کاهش افراد مجرب و ماهر در این نوع فعالیت‌ها و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فقدان حمایت و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزان از صنایع دستی و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فقدان رقابت با کالاهای تولیدی جدید و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین رشد شهرنشینی و تغییر الگوی مصرف و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش‌های مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه و اسناد و مدارک برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. لذا سعی شد که ۱۰۰ نفر از شاغلان^۱ در صنایع و مشاغل سستی و دستی شهرستان شهرضا به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شوند. برای رسیدن به نتایج مطمئن، براساس فرضیه‌ها، شاخص‌ها و سؤالاتی مطرح گردید و همراه با توزیع پرسشنامه به‌دلیل بی‌سوادی و یا کم‌سوادی اکثر پاسخگویان، سؤالات پرسشنامه تک تک برای آنان قرائت و سپس تکمیل شد.



آشنایی با شهرستان شهرضا

شهرستان شهرضا یکی از شهرستان‌های استان اصفهان است. این شهرستان از شرق و شمال شرقی به شهرستان اصفهان، از شمال به شهرستان مبارکه، از جنوب به شهرستان آباء، از جنوب غربی به شهرستان سمیرم و از غرب به شهرستان بروجن محدود می‌گردد. شهرستان شهرضا از دو بخش مرکزی، به مرکزیت شهرضا و بخش سمیرم سفلی، به مرکزیت دهاقان تشکیل می‌شود.

وسعت شهرستان ۴۵۷۱ کیلومترمربع، بخش مرکزی از سه دهستان اسفرجان، منظریه و دشت و بخش دهاقان از چهار دهستان موسی‌آباد، قمبوان، همگین و کهرویه تشکیل می‌گردد. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ کل جمعیت شهرستان ۱۶۴۳۶۱ نفر بوده است. «در کل شهرستان توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بالاتر در بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی به ترتیب ۴۸/۷۵، ۳۳/۹۳ و ۱۶/۷۳ درصد فعالیت داشته‌اند که در نقاط شهری (شهرضا و دهاقان) به ترتیب ۵۸/۰۸، ۳۱/۱۴ و ۱۰/۱۸ درصد گزارش شده است. عمده فعالیت در بخش صنعت مربوط به صنایع دستی مثل قالی‌بافی، زیلوبافی، متصدیان، ماشین‌آلات و دستگاه‌ها، مونتاژکاران، رانندگان وسایل نقلیه، کارگران ساختمانی و صنعت حمل و نقل بوده است».^۲

وضعیت صنایع دستی و دستی

براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده از زمانی که زندگی یکجانشینی و کشاورزی به تدریج به وجود آمد زمینه برای پیدایش سکونتگاه‌های حیات اجتماعی و کم‌کم مشاغل و حرفه‌ها و صنایع متعدد به وجود آمد. با آغاز دوره شهرنشینی روند رشد حرفه‌ها و صنایع گسترش یافت. کم‌کم با کشف فلزات متعدد، ابداعات و اختراعات، مسئله تقسیم کار مشاغل و حرفه‌ها در جوامع متنوع گردید. پیشرفت صنعت و تکامل آن در دوران حیات بشر باعث به وجود آمدن تغییراتی در زندگی انسان‌ها شده است.

از دیدگاه تاریخ پیدایش می‌توان صنایع را به دو دسته صنایع دستی و دستی و صنایع نوین تقسیم کرد. صنایع دستی در کشورهای در حال توسعه به دلیل در اختیار داشتن مواد اولیه مورد



نیاز، وسایل و ابزار کار، نیروی ماهر متناسب با ساختار اقتصاد داخلی و متکی بر سابقه کهن می‌تواند بدون نیاز به خارج به فعالیت خود ادامه دهد.

صنایع دستی از گذشته‌های دور در کشور به منظور رفع نیازهای جامعه وجود داشته است. با ورود کالاهای متعدد اروپایی و فقدان توجه برنامه‌ریزان وقت، به تدریج بسیاری از صاحبان صنایع سستی و دستی نتوانستند با کالاهای مشابه خارجی رقابت کنند و برخی از حرفه‌ها و مشاغل مذکور کم‌کم نابود شدند. با رشد صنایع ماشینی آنچه از صنایع دستی ایران باقی ماند عبارت است از قالی‌بافی، گلیم‌بافی، سفال‌گری، منبت‌کاری و خاتم‌سازی، که اینها هم ممکن است با گذشت زمان سیر رکود و تنزل پیدا کند.

براساس اطلاعات سال ۱۳۵۵ شاغلان صنایع دستی و سستی نسبت به شاغلان ماشینی چندین برابر بوده‌اند. براساس سرشماری سال ۱۳۴۵ کشور ۴۲۹ هزار نفر در رشته‌های صنایع دستی و سستی به فعالیت مشغول بوده‌اند که این تعداد ۳۹۲/۴ هزار نفر در زمینه قالی و قالیچه‌بافی، ۲۷/۹ هزار نفر در بافت گلیم، زیلو و جاجیم و ۸/۷ هزار نفر در پارچه‌بافی^۳ اشتغال داشته‌اند. از کل شاغلان مزبور ۳۴۴/۹ هزار نفر در روستاها و ۸۴ هزار نفر در شهرها فعالیت داشته‌اند.

«در ایران ۱۳۳ رشته صنایع وجود دارد که معمولاً از هر سه نفر زن روستایی و عشایری بالاتر از ۱۰ سال یک نفر در طول سال به نوعی به کار تولید یکی از رشته‌های صنایع دستی در سال ۱۳۷۰ اشتغال داشته‌اند. همچنین براساس آمارگیری صنعتی کشور در سال ۱۳۷۰، ۶۶٪ از کل جمعیت ۱۰/۴ میلیون نفری زنان بالای ۱۰ ساله شهرنشین نیز جمعیتی معادل ۲ میلیون و ۸۹ هزار نفر یعنی تقریباً از هر ۵ نفر زن یک نفر به تولید صنایع دستی اشتغال داشته‌اند. در سال ۱۳۷۰، ۲۹ درصد از صادرات کالاهای غیرنفتی کشور سهم فرش دستباف بوده است. از آنجایی که در صنایع دستی بخش عمده‌ای از ارزش محصول ناشی از نیروی انسانی به کار رفته در آن میزان ذوق هنری و مهارت صنعتگر است و به علاوه مواد اولیه مصرفی نیز غالباً ساده و ابتدایی و عمدتاً کم‌هزینه است ارزش افزوده حاصل در این بخش بسیار بالاست. به طور کلی از کل جمعیت کشور ۶/۳ درصد به امر تولید صنایع دستی اشتغال دارند»^۴.



در گذشته در سطح شهرستان صنایع و حرفه‌های متعدد سنتی و دستی وجود داشته که بسیاری از این مشاغل به دست فراموشی سپرده شده است. عمده صنایع - مشاغل سنتی و دستی شهرستان عبارتند از: نمد مالی، تخت‌کشی (گیوه‌کشی)، صنعت پینه‌دوزی (ملکی‌دوزی)، حرفه میرابی (امیر آب تقسیم‌کننده آب زراعی بین خرده مالکان)، مقنی و مقنی‌گری، حلبی‌سازی صنعت پارچه‌بافی، صنعت کاردانی و شومالی، قفل‌سازی، نعلبندی، رنگرزی، سفیدگری، مسگری، گیوه‌چینی، آهنگری، گاریچی، غربال‌بافی، بوجاری، پالان‌دوزی، یخدان‌سازی، عصاره‌ری (روغن‌کشی از دانه‌های گیاهان)، شیرپزی، جوراب‌بافی، سفالگری، آسیابانی، حرفه لبافی (خورجین‌دوزی، چادردوزی)، گلیم‌بافی، قالی‌بافی، کلاه‌سازی، صابون‌سازی، دباغی، سفیدآب‌سازی و حرفه خشت‌زنی.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

طبق مطالعه انجام شده اکثر شاغلان حرفه‌های سنتی در بخش صنعت ۷۰ درصد، در بخش کشاورزی ۲۰ درصد و در بخش خدمات ۱۰ درصد مشغول به کار هستند. تعداد افراد شاغل در مشاغل سنتی از سال ۱۳۴۵ تا زمان حال حاضر سیر نزولی داشته است. امروزه متأسفانه به غیر از صنایع قالی‌بافی، گلیم‌بافی و جاجیم‌بافی که معمولاً توسط زنان نقاط شهری و روستایی بافته می‌شود، کمتر از ۲۰۰ نفر در مشاغل سنتی و دستی دیگر مشغول به کار هستند. این امر نشان‌دهنده آن است که عوامل مستقیم یا غیرمستقیم بر زوال مشاغل مزبور نقش داشته است که بدان اشاره خواهد شد.

فرضیه نخست: بین نداشتن درآمد کافی و زوال مشاغل سنتی رابطه معناداری وجود دارد.



جدول شماره ۱- میزان رضایت و فقدان رضایت از درآمد پاسخگویان

نسبی	مطلق	فراوانی رضایت
۲۰	۲۰	رضایت داشتن
۸۰	۸۰	فقدان رضایت
۱۰۰	۱۰۰	جمع

بر طبق داده‌های جدول مزبور صرفاً ۲۰ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که از درآمد خود راضی هستند لذا در سؤالی که از آنان شده ۴۵ درصد از پاسخگویان بیان داشتند که در کنار شغل سستی، برای گذران زندگی خویش شغل دوم دارند. همچنین بیش از ۸۰ درصد از استادکاران حرفه‌های سستی اذعان داشته‌اند که برای فعالیت و رفع احتیاجات زندگی خویش وام دریافت کرده‌اند. درآمد یکی از معیارهایی است که با استفاده از آن می‌توان سطح رفاه زندگی و وضعیت اقتصادی افراد مورد مطالعه را شناخت.

جدول شماره ۲- تمایل برای ادامه کسب و کار علی‌رغم درآمد کم

نسبی	مطلق	فراوانی ادامه کار
۱۶	۱۶	بلی
۸۴	۸۴	خیر
۱۰۰	۱۰۰	جمع

براساس آمار موجود، درآمد مناسب نقش مؤثری در استمرار و ادامه فعالیت در مشاغل سستی و دستی توسط شاغلان مزبور دارد. همچنان‌که ۸۴ درصد از افراد حاضر به ادامه کسب و کار خود نیستند و یکی از دلایل آن را فقدان درآمد کافی عنوان می‌کنند.

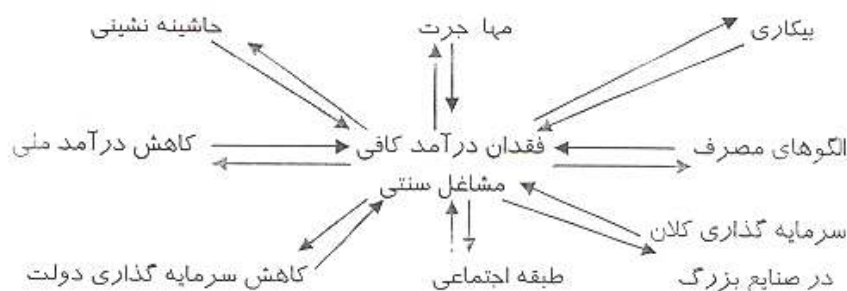


جدول شماره ۳- آزمون کی دو رابطه درآمد و زوال مشاغل سنتی

نسبی	درآمد		فراوانی زوال مشاغل
	بالا	پائین	
۷۰	۱۰ (۱۸/۲)	۶۰ (۵۱/۸)	دارد
۳۰	۱۶ (۷/۸)	۱۴ (۲۲/۴)	ندارد
۱۰۰	۲۶	۷۴	جمع

$$\chi^2 = \sum \frac{(f_b - f_e)^2}{f_e} = ۱۶/۶۲$$

بر طبق جدول مزبور کی دو محاسبه شده (۱۶/۶۲) با درجه آزادی ۱ ($f = (m-1)(k-1)$) بیش از عدد محاسبه شده در جدول کی دو (۳/۸۴) است، لذا با احتمال صحت گفتار ۹۵ درصد و میزان خطا ۰/۰۵، رابطه میان دو متغیر مزبور (درآمد و زوال مشاغل) اتفاقی نیست و بین نداشتن درآمد کافی و زوال مشاغل سنتی رابطه معناداری وجود دارد.



فرضیه دوم: بین فقدان تمایل جوانان به فراگیری این نوع مشاغل و زوال مشاغل سنتی رابطه معناداری وجود دارد.

استمرار و بقای بسیاری از فعالیت‌ها و کارها مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها، فنون و مهارت‌های آنان به نسل‌های جدید و آتی منتقل شود که یکی



از راه‌ها از طریق آموزش استادان فن صورت می‌گیرد. بر اثر عوامل متعددی از جمله تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث شده که جوانان کمتر به فراگیری و انتخاب مشاغل سنتی و دستی روی آورند. شاید به نظر برسد که کمی درآمد، پایین بودن مقام و منزلت مشاغل مزبور، یکنواختی و فقدان تحرک و نوآوری و ابداع از دلایل اصلی فقدان تمایل جوانان باشند.

جدول شماره ۴- مراجعه جوانان برای یادگیری مشاغل سنتی

نسبی	مطلق	فراوانی
		مراجعه جوانان
۹	۹	بلی
۹۱	۹۱	خیر
۱۰۰	۱۰۰	جمع

بر طبق داده‌های مزبور ۹۱ درصد از پاسخگویان اظهار می‌دارند که میزان مراجعه جوانان به فراگیری مشاغل سنتی همانند سفالگری و دباغی وجود ندارد و تنها ۹ درصد معتقدند که جوانان به این مشاغل روی می‌آورند. همچنین براساس داده‌های به دست آمده چنین استنباط می‌شود که ۸۰ درصد از فرزندان شاغلان صنایع سنتی و دستی به حرفه‌های پدر و بستگان خویش علاقه‌مند نیستند و صرفاً ۲۰ درصد از فرزندان حاضر بودند که در آن حرفه مشغول به کار باشند.



جدول شماره ۵- توزیع عوامل مؤثر در فقدان تمایل جوانان به مشاغل سستی و دستی

نسبی	مطلق	فراوانی علت فقدان تمایل
۷۰	۷۰	دلایل اقتصادی
۱۸	۱۸	دلایل اجتماعی
۱۲	۱۲	دلایل صنعتی
۱۰۰	۱۰۰	جمع

همچنان که ملاحظه می شود ۷۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که علت اصلی فقدان تمایل جوانان به مشاغل سستی عوامل اقتصادی، ۱۸ درصد عوامل اجتماعی و ۱۲ درصد عوامل صنعتی است.

آزمون کی دو

جدول شماره ۶- فقدان تمایل جوانان و زوال مشاغل

نسبی	بالا	پائین	فقدان تمایل جوانان زوال مشاغل
۷۰	۶۳ (۵۸/۸)	۷ (۱۱/۲)	دارد
۳۰	۲۱ (۲۵/۲)	۹ (۴/۸)	ندارد
۱۰۰	۲۶	۷۴	جمع

$$\chi^2 = 6/24$$

بر طبق جدول فوق، کی دو محاسبه شده ۶/۲۴ که با درجه آزادی ۱ و با ۹۵ درصد احتمال صحت گفتار و ۵ درصد خطا بیش از عدد محاسبه جدول کی دو (۳/۸۴) است، لذا بین دو متغیر فقدان تمایل جوانان و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.



فرضیه سوم: بین کاهش افراد مجرب و ماهر در این نوع فعالیت‌ها و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.

از زمان‌های گذشته استادکاران مشاغل گوناگون در بین مردم احترام و منزلت ویژه‌ای داشته و دارند. در متون قدیمی اشاره‌های زیادی به روابط استاد- شاگردی شده است، به‌طور مثال «برخی از اندیشمندان معتقدند که هر انسان صنعتگری ناگزیر از داشتن استادی است که از او صنعت یا علمش را بیاموزد. بنابراین استاد راهنمای آن صنعت کسی است که قوه نهفته در نفس صنعتگر را برمی‌انگیزد و آن را به مرحله «فعل» می‌رساند».^۵ «ابن خلدون مهارت صنعتگر را در صنعت به استعداد و ذوق معلم و توانایی او در تعلیم نسبت می‌دهد، بنابراین در هر شغل و پیشه‌ای وجود استاد فن ضروری است. از این‌رو هر گروهی برای خود استادی داشته است».^۶

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی و درصد شاغلان سستی در منطقه

نسبی	مطلق	فراوانی تعداد همکاران
۷۰	۷۰	کاهش یافته
۲۵	۲۵	متعادل مانده
۵	۵	افزایش یافته
۱۰۰	۱۰۰	جمع

براساس داده‌های جدول مزبور ۷۰ درصد از صاحبان مشاغل سستی معتقدند که همکارانشان روزبه‌روز بنا به دلایلی نظیر کهولت، بیماری و فوت کاهش یافته و به‌جای آنان افراد جدیدی نیستند تا حرفه آنان را دنبال کنند. لذا به‌نظر می‌رسد بر اثر فقدان حمایت دولت از صنایع موجود گرایش نیروی انسانی جوان به اشتغال در بخش‌های دیگر اقتصادی و تغییر الگوی مصرف مردم، تا حد زیادی در کاهش تعداد شاغلان سستی مؤثر است.



براساس اطلاعات به دست آمده ۹۰ درصد از پاسخگویان اظهار می‌دارند کمتر شغلی از مشاغل سنتی وجود دارد که به وسیله جوانان و سایر افراد تداوم می‌یابد و با بازنشسته شدن و یا فوت آنان مشاغلشان نابود می‌شود. لذا رابطه معناداری بین کاهش استادکاران و زوال مشاغل سنتی وجود دارد.

آزمون کی دو

جدول شماره ۸- رابطه بین از میان رفتن افراد آگاه و زوال مشاغل سنتی

افراد آگاه	کاهش یافته	متعادل مانده	افزایش یافته	جمع
زوال مشاغل				
دارد	۵۵ (۴۹)	۱۰ (۱۴)	۵ (۷)	۷۰
ندارد	۱۵ (۲۱)	۱۰ (۶)	۵ (۳)	۳۰
جمع	۷۰	۲۰	۱۰	۱۰۰

$$\chi^2 = 8/14$$

کی دو محاسبه شده با درجه آزادی ۲ برابر ۸/۱۴ است که مقدار آن براساس ۵ درصد خطا در جدول کی دو ۵/۹۹ است، لذا بیانگر آنست که رابطه بین از میان رفتن افراد آگاه و زوال مشاغل سنتی اتفاقی نبوده و رابطه معنادار است.

فرضیه چهارم: بین فقدان حمایت و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزان (بخش دولت) از صنایع دستی و زوال مشاغل سنتی رابطه معناداری وجود دارد.

یکی از عوامل تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه صنعت و خدمات، سرمایه است. سرمایه به همراه نیروی انسانی، تکنولوژی، مدیریت و برنامه‌ریزی نقش مؤثری در رشته اقتصادی دارد. براساس مطالعات انجام شده مهم‌ترین عواملی که باعث جذب سرمایه در یک منطقه می‌شود عبارت است از: فراهم بودن امکانات اولیه برای تأسیس آن واحد، نظیر آب و برق،



سهولت در دسترسی به منابع اولیه ارزان و کافی، وجود نیروی انسانی مورد نیاز، وجود راه‌های ارتباطی مناسب، نزدیکی به بازار فروش، میزان موفقیت واحدهای قبلی، پشتیبانی مادی و معنوی دولت و غیره.

براساس اظهار نظر صاحبان مشاغل سستی و دستی به نظر می‌رسد دولت و سازمان‌های وابسته امکاناتی نظیر وام و اعتبار در اختیار آنها قرار داده‌اند ولی آن را کافی نمی‌دانند ...

جدول شماره ۹- میزان حمایت دولت از صنایع دستی منطقه

نسبی	مطلق	فراوانی حمایت دولت
۳۶	۳۶	بلی
۶۴	۶۴	خیر
۱۰۰	۱۰۰	جمع

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ۶۴ درصد از پاسخگویان ذکر می‌کنند که دولت به صنایع دستی کوچک توجه چندانی نمی‌کند. ۳۶ درصد از آنان اظهار می‌دارند که دولت به صنایع محلی و بومی توجه کرده است، این تعداد شامل آن افرادی است که در کارگاه‌های سفالگری و دباغی مشغول به کار هستند. بنابراین فقدان حمایت دولت از صنایع دستی و سستی می‌تواند یکی از عوامل رکود آنان باشد.





فرضیه پنجم: بین فقدان رقابت با کالاهای تولیدی جدید و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های جوامع معاصر به‌ویژه جوامع توسعه یافته رقابت اقتصادی و اجتماعی در ابعاد مختلف جامعه است. در کشورهای در حال توسعه ضعف علمی و تکنیکی باعث شده بسیاری از صنایع بنیادی و مادر و حتی مونتاژ از کشورهای توسعه یافته وارد شود. از سوی دیگر ورود صنایع مزبور و فقدان برنامه‌ریزی منظم برای رقابت سالم آنها با صنایع موجود سبب گردید که برخی از صنایع دستی و سستی نتواند با صنایع بزرگ و جدید مشابه رقابت کند و به تدریج رکود اقتصادی و ورشکستگی در مشاغل مزبور به وجود آید.

از عوامل دیگر که فرآیند رکود صنایع دستی و سستی را تسریع کرد می‌توان به سرمایه‌گذاری غیراصولی و حمایت بخش دولتی از صنایع بزرگ وارداتی، رشد شهرنشینی، گسترش فرهنگ مصرفی غرب و فقدان کیفیت کالاهای تولیدی داخل و ... اشاره نمود.

جدول شماره ۱۰- میزان تمایل افراد به استفاده از کالاهای تولیدی

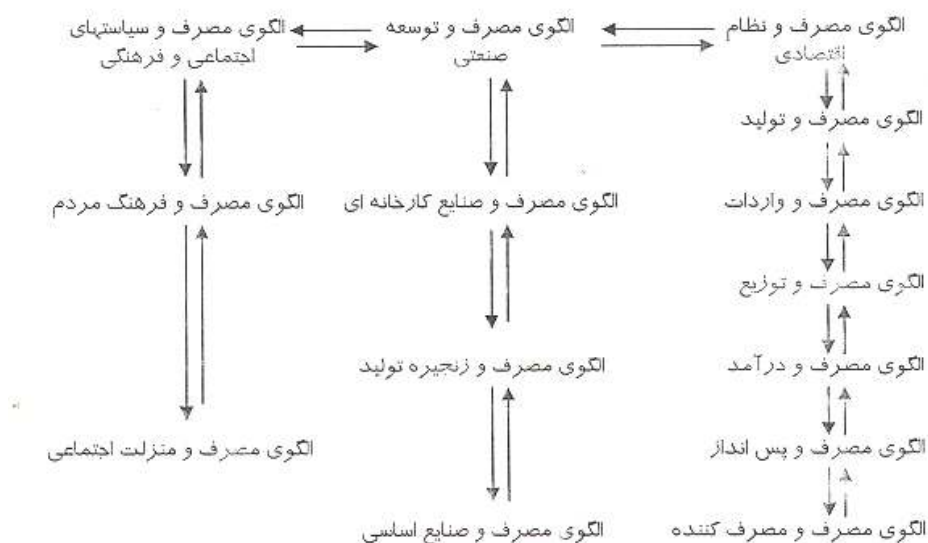
نسبی	مطلق	فراوانی کالا
۹۴	۹۴	جدید
۶	۶	سستی (قدیم)
۱۰۰	۱۰۰	جمع

بر طبق داده‌های موجود ۹۴ درصد از صاحبان حرفه‌های سستی معتقدند که مردم و متقاضیان علاقه‌مند به خرید کالاها و اجناس و وسایل جدید و نو هستند و علاقه چندانی به استفاده از کالاهای تولیدی به شیوه سستی ندارند. ۶ درصد از صاحبان مشاغل سستی اظهار داشتند که مردم به کالاهای تولیدی به شیوه سستی علاقه دارند که معمولاً از ظروف سفالی و نظایر آن برای تزئین در زندگی خود استفاده می‌کنند.

فرضیه ششم: بین رشد شهرنشینی و تغییر الگوی مصرف و زوال مشاغل سستی رابطه معناداری وجود دارد.

دگرگونی‌ها و تغییرات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جوامع باعث شد که روند شهرنشینی و شهرگرایی افزایش یابد. با افزایش شهرنشینی بسیاری از الگوهای مصرف دگرگون شد و الگوهای مصرف جدید جایگزین گردید. برخی از صاحب‌نظران مسائل اقتصادی و اجتماعی معتقدند که از ویژگی‌های جوامع معاصر و به‌ویژه صنعتی گرایش به تولید انبوه و مصرف کالاها و خدمات است، لذا برای افزایش زمینه‌های تقاضا سعی می‌شود الگوهای مصرف مدام تغییر کند و متناسب با شرایط جامعه زمینه‌های رفاه نسبی افراد افزایش یابد.

طبق مطالعات انجام شده بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که با گسترش شهرنشینی، محصولات یا کالاهای تولیدی سستی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و درصد کمی از مردم از کالاها و خدمات تولیدی به شیوه سستی بهره می‌گیرند لذا به نظر می‌رسد الگوهای مصرف بین مردم تغییر یافته و سعی می‌شود از کالاهای تولیدی جدید مشابه استفاده کنند.





نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مزبور در مورد علل زوال صنایع (مشاغل) سستی نتایج به شرح ذیل است:

نخست: بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که در گذشته صنایع و مشاغل سستی و دستی در کشور و مناطق جغرافیایی به‌ویژه شهرستان شهرضا از لحاظ تعداد، تنوع گسترده داشته است.

دوم: برخی از مشاغل سستی با وجود تغییر و دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هنوز جایگاهی ویژه در جامعه و نقش مؤثری در زمینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اشتغال افراد جامعه دارند نظیر قالی‌بافی و گلیم‌بافی دارند.

سوم: بسیاری از مشاغل سستی با گذشت زمان، کارکردهای خود را از دست داده و به‌دست فراموشی سپرده شده است و حتی بسیاری از جوانان با نام آنها نیز آشنایی ندارند.

چهارم: همان‌طوری‌که بحث شد هفت عامل در زوال مشاغل سستی تأثیر داشته که عبارت است از: نداشتن درآمد کافی، فقدان تمایل جوانان و جویندگان کار به فراگیری مشاغل مزبور، کاهش افراد مجرب و آگاه، فقدان حمایت مناسب بخش دولتی از صنایع مزبور، فقدان رقابت با کالاهای مشابه تولیدی جدید، رشد شهرنشینی و تغییر الگوهای مصرف.

پنجم: به‌نظر می‌رسد مجموع علل مزبور نقش مؤثری در کاهش فعالیت در صنایع و مشاغل سستی و دستی داشته باشند.

ششم: از کل صنایع و مشاغل مزبور در حال حاضر به‌ترتیب قالی‌بافی و گلیم‌بافی در شهرستان تا حدی رواج دارد که معمولاً توسط زنان نقاط عشایری، روستایی و تا حدودی شهری بافته می‌شود.

هفتم: به‌نظر می‌رسد صنعت سفالگری، دباغی و رنگرزی نسبت به سایر صنایع و مشاغل سستی از رونق اقتصادی بهتری (نه با اختلاف زیاد) برخوردار باشد.

هشتم: از طریق شیوه‌هایی می‌توان تا حدودی مشاغل سستی موجود را احیاء و تقویت نمود که عبارت است از: حمایت مالی و غیر مادی دولت و بخش دولتی، تشویق و ترغیب مردم به سرمایه‌گذاری در مشاغل سستی که مقرون به صرفه است، توجه به مسائل تبلیغاتی و ترغیب جویندگان کار برای سرمایه‌گذاری در مشاغل مزبور، افزایش تبلیغات در زمینه ترغیب مردم به



استفاده از کالاهای تولیدی سستی و دستی و ایجاد طرح و شیوه‌هایی برای انطباق صنایع سستی با صنایع جدید.

پی‌نوشت‌ها

۱. حجم نمونه تعیین شده شامل افراد شاغل در فعالیت‌های سستی است که معمولاً در سطح نقاط شهری و روستایی دارای مغازه و محل کار هستند، البته شامل افراد شاغل در صنایع قالی‌بافی و جاجیم‌بافی نمی‌شود.
۲. محمدی، عناقه، عبدالرحیم و اصغر، بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بخش سمیرم سفلی (دهاقان)، طرح پژوهشی، ۱۳۷۹، ص ۹۷.
۳. مرکز صنایع دستی ایران، وضع مالی و عمومی شرکت‌های تعاونی صنایع دستی، وزارت اقتصاد، نشریه ۱۳۱، مهرماه ۱۳۵۲.
۴. محمدی، اصغر، بررسی عوامل مؤثر در بیکاری و ایجاد زمینه‌های اشتغال در بخش سمیرم سفلی (منطقه دهاقان)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۴، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.
۵. حلبی، علی اصغر، گزیده متن رسائل اخوان الصفاء، چاپ نقش جهان، اسفند ماه ۱۳۶۰، ص ۲۹۴.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه، جلد ۲، ص ۳۰۶.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه ابن خلدون، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ابوالحسین، مهران، «ضرورت پیوند کشاورزی با صنایع روستایی»، مجله جهاد، سال دوازدهم، شماره ۱۴۹.
- اشرف، احمد، موانع تاریخ رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۹.
- توسلی، غلام‌عباس، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- جمالی، مسیح اله، تاریخ شهرضا، قم، انتشارات دهاقانی، ۱۳۷۴.
- حجازی، سید علیرضا، سیمای شهرضا، قم، انتشارات قم، ۱۳۷۵.
- حلبی، علی اصغر، گزیده متن رسائل اخوان الصفاء، چاپ نقش جهان، اسفندماه، ۱۳۶۰.
- زکی، محمدحسن، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۵۲.
- سیبجانی، علی اکبر، طرح هادی شهر دهاقان، اصفهان، دفتر فنی استانداری اصفهان، ۱۳۷۰.
- عراقی، احمد، نقش صنایع روستایی و صنایع دستی در ایجاد درآمد و کنترل مهاجرت، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۶۳-۱۳۶۲.
- محمدی، عناقه، عبدالرحیم؛ اصغر، بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بخش سمیرم سفلی (دهاقان)، طرح پژوهشی، فروردین، ۱۳۷۹.
- کاستللو، فرانسیس وینست، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.
- محمدی، اصغر، بررسی عوامل مؤثر در بیکاری و ایجاد زمینه‌های اشتغال در بخش سمیرم سفلی (دهاقان) واحد دهاقان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۴.



- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا، سال ۱۳۴۵.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا، سال ۱۳۵۵.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا، سال ۱۳۶۵.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا، سال ۱۳۷۵.